

# مفهوم صلیب مسیح از نظر خدا و انسان



انتشارات نور جهان

در مسیحیت هیچ موضوعی عمیق تر و مقدس تر و مهم تر و در عین حال پیچیده تر و تفکر برانگیز تر از موضوع صلیب مسیح نیست. عمیق و مقدس است زیرا اصول و آئین مسیحیان بر آن استوار است، مهم است زیرا عدالت و نشان مسیحیت بشمار میرود از طرق موضوع بغرنج و پیچیده ای است. زیرا در الهیات مسیحیت در اطراف آن بحث و تفسیر فراوان شده است و از نظر دیگر باعث سوء تفاهات و تفسیرهای گوناگونی بین مردم غیر مسیحی برانگیخته است.

صلیب همان چوبه داریاست که محکومین را بر آن می آویختند بطوریکه شخص محکوم نه فقط میباید بر روی آن هلاک شود بلکه بر آن رنج و شکنجه فراوانی را باید تحمل کند. معمولاً دستها و پاهای محکوم را به چوب صلیب میخکوب میکردند گاهی یکپهفته و شاید هم بیشتر بر روی آن رنج میکشید تا تدریجاً جان سپارد. در نتیجه علامت صلیب در زمان مسیح علامت ننگ آوری به شمار میرفت. چنانچه چوبه داری که برای محکومین در میدان توپخانه تهرات بکار میرفت برای ما وحشت انگیز و بدشگون بود. در زمان مسیح شخص مصلوب را یهودیان ملعون میدانستند و رومیان که در آن زمان تسلط بر سایر مردم داشتند هرگز محکومین خود را با چوبه صلیب به هلاکت نمی رسانیدند. صلیب را فقط برای محکومین غیر رومی بکار میبردند. در واقع شخص مصلوب بین رومیان ننگ و شرم و برای یهودیان ملعون بحساب می آمد. پولس رسول در رساله خود به این مطلب بخوبی اشاره کرده است.

ولی پس از مصلوب شدن عیسی مسیح بر آن چوبه دار، آن چوبه دار مقام مشایخ و ارجمندی یافت، بطوریکه میدانیم اکنون عدالت مهم و منحصر بفرد کلیساهای جهان بشمار میرود، علامتی از خدمت و فداکاری میباشد. و نشانه افتخار آمیز بسیاری از ممالک جهان قرار گرفته که بر روی پرچمهای خود زینت میدهند و علامت بسیاری از بیمارستانهای جهان هم بشمار رفته است.

صلیب سرخ بزرگترین و مؤثرترین تسلی بینوایان و رنجدیدگان بوده است و همچنین برای بسیاری از بانوان و آقایان برای زینت بکار می‌رود. در واقع هنگامیکه عیسی مسیح بر روی آن صلیب شد باعث احترام و اهمیت آن چوبه دار گردیده است. ابتدا صلیب را از نظر و مفهوم مردمی که در زمان مسیح میزیستند مینگریم. یهودیان که در آن زمان زیر تسلط کشور روم بودند هیچ گونه حق نداشتند کسی را صلیب کنند از این رو مسیح را پس از محاکمه خود دست بسته تحویل پیلاتس حاکم روم دادند که در آن زمان استندار آن ناحیه بود، که تا او مسیح را به صلیب برساند. پیلاتس پس از آنکه چند بار مسیح را محاکمه کرد خطایی در او نیافت، در صدد بر آمد که او را آزاد کند ولی جماعت بدستور ملاها و رؤسای یهود به پیلاتس گفتند که اگر مسیح را آزاد کند دوست قیصر نیست یعنی آنان باعث برکناری او خواهند شد. پیلاتس که این سمت را اخیراً یافته بود خیلی برایش اهمیت داشت. برای آزادی مسیح راههای دیگری یافت تا یهودیان ناچار شوند مسیح را آزاد کنند. در آن زمان بین یهودیان معمول بود سالیانه یک نفر از محکومین را توسط حاکم وقت آزاد کنند. پیلاتس برابا نامی که دزد و قاتل و راهزن بود را به اتفاق مسیح به نزد جماعت آورد تا آنان یکی از آنها را انتخاب کنند که آزاد شود. پیلاتس در نظر داشت که جماعت مسیح عادل را بر برابای قاتل ترجیح دهند ولی عکس آن به عمل آمد، و مردم بدستور روسای نادان خود برابای قاتل را بر مسیح عادل ترجیح دادند و این عمل برای پیلاتس باور کردنی نبود پس مسیح را به سربازان سپرد که شلاقش بزنند و زحماتی بر مسیح وارد آورند. سپس پیلاتس با همان وضع رقت بار او را نزد جماعت آورد تا آنان بر سر رحم آیند و او را آزاد کنند ولی آنان با پیروی رؤسای خود صلیب مسیح را خواستار شدند. در همان لحظه همسر پیلاتس کسی را نزد پیلاتس فرستاد تا تأکید کند که به این مرد عادل آزاری نرساند، زیرا خوابی در مورد او دیده است. پیلاتس بار دیگر برای آخرین مرتبه از جماعت پرسید پس با عیسی معروف به مسیح چه کنم؟ او انتظار داشت جماعت از صلیب کردن مسیح صرفنظر کنند، ولی آنان بار

دیگر تکرار کردند، صلیبش کن. آنگاه پیلاتس آبی خواست و دستهای خود را شست و به جماعت گفت، من از خون این مرد عادل بری هستم. ولی جماعت فریاد زدند که خون او بر ما و فرزندان ما باد. آنگاه پیلاتس که مبادا از سمت خود برکنار شود ناچاراً در خواست جماعت را پذیرفت و مسیح را به سربازان خود سپرد تا او را برای صلیب ببرند. چوب صلیب را بر دوش مسیح گذاشته که تا حمل کند. بطور معمول دو سمت خیابان انبوه جماعت حضور داشتند تا محکوم بر صلیب را در حال عبور تماشا کنند و بنظر مسئولین امر از طرفی بدیدن محکوم عبرت گیرند. ولی بسیاری از مردم در دو سمت خیابان مسیح را خوب میشناختند و از او شفا و مرحمت دیده بودند، برای او گریان شدند مسیح ضمن حمل صلیب ناچاراً چند بار توقف نمود و به آنان نظر افکند و فرمود برای او گریان نباشند بلکه برای خود و فرزندان خود بگیرند. در همان لحظه شخصی بنام شمعون غیروانی نزد مسیح آمد تا صلیب او را حمل کند و کمکی برای مسیح باشد. شاید هم او را وادار کرده بودند. باید دانست در آن موقع مسیح بسیار خسته بود، بازجوئیهای پی در پی روسای یهود در شب گذشته و محاکمه بعد پیلاتس و شلاقهای سختی که بر بدن او وارد شده بود او را خسته و ناتوان کرده بود بطوریکه حمل صلیب سنگین برایش آسان نبود، بنابر این پیشنهاد شمعون را برای حمل صلیب پذیرفت. شمعون چه کسی بود ما نمیدانیم ولی امکان قومی وادر مسیح را قبلاً دیده بود و شاید هم او و یا یکی از نزدیکان او روزی از مسیح شفا یافته بودند. شمعون غیروانی صلیب را تا تپه جلیتا ( محل صلیب گاه ) حمل کند. بسیاری از جماعت در دو سمت خیابان حضور داشتند شفا و رحمتهای مسیح را قبلاً مشاهده کرده بودند و مسیح اطفال آنان را شفا و نوازش کرده بود، از مسیح غیر از محبت و رحمت چیزی دیگر ندیده بودند، بی تردید بخود میگفتند صلیب سزوار مسیح نیست و نباید او چنین رنج و زحمتی را تحمل کند. خدمات گذشته او را یک به یک بخاطر می آوردند و برای او میگریستند.

در میان جماعت در هنگام صلیب مسیح شخص حضور داشت که افسر رومی و مأمور اجرای صلیب کردن مسیح بود. از طرز رفتار و سخنان مسیح هنگام صلیب خوب توجه داشت او شنیده بود مسیح هنگام رنج صلیب برای آنان دعای خیر میکرد. و پس از آن شنید که مسیح فرمود تمام شد. او تحت تأثیر شدید سخنان و مرگ مسیح قرار گرفت بطوریکه اظهار داشت! او حقیقتاً فرزند خدا بود. صلیب مسیح برای او نوعی بیعدالتی دولت روم بشمار میرفت. مفهوم صلیب مسیح برای آن افسر رومی عدم بنظر میرسد عقاید و ایمان او بر پیشوایان یهود برتری داشت. هنگامیکه مسیح خداوند بروی صلیب در آخرین لحظه فرمود تمام شد میتوان تصور کرد که مقصود مسیح این بود که درد و رنج او و زحمات او به اتمام رسید، یا میتوان تصور کرد که مقصود مسیح این بود که کاری را که برای نجات بشر شروع کرده بود به اتمام رسانیده است. البته بخوبی میدانیم کار نجات بشر در صلیب مسیح به اتمام رسید ولی کار او هنوز در جهان بوسیله روح القدس ادامه دارد، چنانچه فرمود روح القدس را برای شما میفرستم که پیوسته با شما خواهد بود و تمام اموری را که به شما گفتم بیاد شما خواهد آورد و روح القدس شاهد زنده او خواهد بود.

صلیب مسیح برای ما در عیسی که در پای صلیب ایستاده بود چه مفهومی داشت؟ میتوان یقین کرد برای او یک چیز واضح و روشن بود، درد و رنج عظیمی که در دل خود یافت بهمان طریقی هنگام طفولیت فرزندش عیسی مرد مقدسی بنام شمعون و بانوی مقدسی بنام حنا پیشگویی کرده بودند که شمشیری در قلب مریم فرد خواهد رفت و فرشته هنگام مژده تولد عیسی به مریم گفته بود که فرزند او برای رستگاری قوم خود زحماتی را متحمل خواهد شد. بنابر این، این واقعه صلیب مسیح، یادآور پیشگوئی‌هایی بود که برای فرزند او به وقوع پیوست و آن شمشیری بود که در

قلب او فرو رفت. آنانیکه مادرند معنی و مفهوم این رنج را بهتر میدانند بخصوص اگر فرزند چون عیسی داشته باشند.

صلیب عیسی برای وعده ای از مردم عادی و بی تفاوت زمان مسیح، داری هیچگونه معنی و مفهومی نبود. صلیب شدن یا نشدن عیسی مسیح برای آنان تفاوت چندانی نداشت، فقط دستور روسا و بزرگان خود را موظف بودند انجام دهند و دنباله روی آنان باشند و در پیروی پیشوایان خود زنده یا مرده باد گویند و چشمان آنان فقط به پیشوایان خود دوخته شده بود. متأسفانه اینگونه مردم نمی تواند حق را از نا حق تمیز دهند. نظیر اینگونه مردم در کشور ما ایران بسیار یافت می شود معمولاً در همه جا اکثریت مردمرا تشکیل می دهند. آ«انیکه به پیلاتس با فریادهای خود گفتند « مصلوبش کن » از این گونه مردم بی اراده بودند که چشم بسته از پیشوایان خود متابعت میکردند. بطوریکه صلیب مسیح برای آنان معنی و مفهومی نداشته است.

معنی و مفهوم صلیب مسیح برای پیلاتس حاکم رومی چه در برداشت؟ او بخوبی فهمیده بود که جماعت یهود بیهوده و فقط بدستور پیشوایان مذهبی خود مسیح را به او سپردند تا صلیب شود. او با چند بار بازجویی خود پی برد که مسیح هیچگونه خطایی ندارد و او را مردی عادل شمرد و در صدد آزادی او برآمد ولی بخاطر مقام خود که مبادا برکنار شود حاضر شد که مردم را راضی نماید و در نتیجه به صلیب کردن عیسی مسیح رضایت داد. اینگونه مردم نظیر پیلاتس حاکم رومی در اطراف ما بسیار یافت می شوند که حق و حقیقت را فدای خواسته ها و امیال خود میکنند.

اغلب سؤال می شود که چرا پیشوایان و روسای مذهبی یهود حاضر به چنین دشمنی شدید با مسیح شدند، حتی مسیح مقدسی را به حاکم رومی برای صلیب و هلاکت به سپارند دلایل بسیاری است ولی آنچه از محتویات اناجیل شریف ملاحظه می شود از لحاظ اختصار فقط به تعدادی

از آنها اکتفا میکنیم. ۱ - حسادت شدیدی که به مسیح داشتند، زیرا مردم بخاطر محبتها و شفاها و تعلیمات آسمانی مسیح گره گره به بسوی عیسی مسیح گرایش داشتند. در صورتیکه آنان خود را تنها نماینده خدا میدانستند. هرگز انتظار نداشتند که مردم اطراف آنان بسوی مسیح روانه شوند. روز آنان اعتراف کردند اگر به این منوال باشد همه مردم آنان را ترک کرده و آنان تنها خواهند ماند. ۲ - مردم فعالیت و اعمال نیکو که از مسیح مشاهده کردند بخوبی فهمیدند، مسیح از پیشوایان آنان به مراتب برتری دارد و بی نظیر است. پیشوایان یهود در برابر عیسی مسیح خود را بسیار ضعیف و ناتوان دانستند و بارها به بهانه هایی سربازان خود را فرستادند تا مسیح را دستگیر کنند ولی سربازان بدون مسیح برگشتند و اظهار داشتند که تعلیمات مسیح بی نظیر است او با قدرت تعلیم میدهد بطوریکه تحت تأثیر تعلیمات مسیح قرار گرفتند و نتوانستند مأموریت خود را به انجام برسانند. ۳ - عیسی مسیح اغلب لازم میشد که روز شنبه مقدس یهودیان به اشخاص نیازمند کمک کرده و شفا و تعلیم دهد و همچنین عیسی مسیح بارها خدا را پدر آسمانی خود میخواند و همچنین روزی مسیح فرمود این هیكل خراب شود، بعد از سه روز بنا خواهد شد. او در مورد رستاخیز خود اشاره کرده بود ولی آنان بد تعبیر کردند که مقصود مسیح از هیكل ساختمان عبادت دانسته بودند. و روزی هم مسیح فرمود من قبل از ابراهیم هستم. همه اینها را کفر و بر خلاف اراده خدا دانستند، در نتیجه نسبت به مسیح خشمگین شده و در صدد قتل او برآمدند. ۴ - اغلب مسیح خداوند، بعلت حرکات نادرست آنان را علناً توبیخ میکرد مثلاً به آنان فرمود نماز را طول میدهید و دارایی بیوه زنان را می بلعید، ای ریاکاران پشه را صافی میکنید ولی شتر را میبلعید. به آنان فرموده بود شنیدید باغبانی هستید که صاحب باغ را کشته و باغ را تصاحب کردند و شبیه قبرهای سفید شده و زیبا که در درون آنها مملو از استخوانهای گندیده است. آنان خواستند آینه را شکسته تا زشتیهای خود را در آن نبینند در واقع خواستند بهتر از خود را از بین بیرونی تا آزاد باشند تا هرچه بخواهند انجام دهند. اینگونه مردم در

اطراف ما بسیارند که هرگز مایل نیستند بهتر از خود را تحمل کنند. زیرا میترسند بدی و زشتی آنان پیش از پیش آشکار شود پس در صدد از بین بردن او میشوند. نکات فوق دلایلی بود که پیشوایان یهود با مسیح دشمنی سختی داشتند و دلایل دیگری هم هست که ذکر نشده است.

اکنون با دقت بررسی میکنیم که صلیب مسیح از دید و نظر خدا پدر آسمانی ما چه مفهومی دربرداشت. تاکنون عده ای را نام بردیم که معنی و مفهوم صلیب مسیح برایشان چه بوده است، اکنون ملاحظه خواهیم کرد صلیب مسیح از نظر خدا چه مفهومی داشته است برابر انجیل شریف پیروان مسیح معتقدند در صلیب مسیح عمق و وسعت عدالت و محبت خدای پدر توأم دیده میشود. بطوریکه این دو صفت مهم الهی یکدیگر را در بر میگیرند به این معنی است برابر انجام عدالت خدا فرزندى گناه میکند پدر از راه عمق محبت خود توان و جریمه آن را می پردازد. حتی برای پرداخت آن حاضر است جان خود را ببخشد. در واقع عدالت و هم عشق و محبت پدرانۀ خدا در صلیب مسیح مشاهده شده در صلیب مسیح میخوانیم در خدا پسر یگانه خود را برای جهانیان بخشید تا جهانیان نجات یابند». که در واقع همین معنی و مفهوم را میرساند. در این مورد سؤالی مطرح است اگر فرزندى گناه کرد چرا پدر بجای او محکوم شود آیا این نوعی بیعدالتی نخواهد بود؟ لازمست به زندگی روزانۀ خود نظر افکنیم چگونه پدری در نتیجه گناه و عمل زشت فرزند خود رنج میکشد. حتی گاهی از شدت رنج مریض شده به هلاکت میرسد. یا مادری که از اشتباه فرزند خود که در استخری افتاده است و در حال غرق شدن است خود را فوری در آب میاندازد تا فرزند خود را نجات دهد. حتی بجان و هلاکت خود نمی اندیشد. در اینجا فرزند و جان او مطرح است و حتی اشتباهی که فرزند کرده بود و به خطا و گناه مرتکب شده توجه ندارد آنچه برای مادر مهربان مطرح است جان و حیات فرزند اوست. بسیاری از والدین برای سلامتی و پیشرفت فرزندان خود رنجهایی متحمل می



شوند که حتی جان خود را نیز نثار میکنند. باید بخوبی توجه کرد عمق و وسعت محبت پدرانۀ خدای ما برای نجات بشر گناهکار از انسانیان به مراتب برتر است. در این مورد در انجیل صریحاً میخوانیم « خدا جهانرا اینقدر محبت نمود که فرزند یگانۀ خود را بخشید » کلمه یگانه برای ما انسانیان معنی خاصی دارد که باید با دقت توجه کرد. در واقع صلیب و مرگ مسیح بر آن همین معنی و مفهوم را میرساند که از نظر خدا اجرای عدالت و محبت عمیق خدای پدر آسمانی برای نجات انسان گناهکار مشاهده میشود. پولس رسول خدا در این مورد بسیار نیکو بیان کرد، « زیرا محبت خدا ما را در بر گرفت هنگامیکه ما هنوز گناهکار بودیم مسیح در راه ما مرد ».

صلیب مسیح از نظر و دید خدا اینست قباخت و زشتی گناهان بشری بحدی است که خدا پدر آسمانی ما فرزند یگانۀ خود را برای اجرای عدالت بر صلیب کشانید و از طرفی عمق و وسعت محبت خود را به انسانیان در همان صلیب مسیح نمودار کرد. انجیل شریف صریحاً بما خاطر نشان میسازد که در خدا محبت است. مفهوم صلیب مسیح از نظر دیگر خدا، بخوبی آگاه میشویم، که خدا از انسانیان میطلبد چون مسیح دارای محبت و خدمت و امانت و فداکار می باشند و او میخواهد مانند مسیح زندگی کنیم، در واقع مسیحی باشیم .

فیض روح القدس را باز مدد فرماید      دیگران هم بکنند آنچه مسیحا میکرد

( حافظ )

مفهوم دیگر صلیب مسیح از نظر و دید خدا اینست که خدا پیوسته در جستجوی آن است و دستهای خود را چون مسیح بر صلیب می گشاید تا گمشده را دریابد و به آغوش کشد. ذکر حکایت پسر گمشده از مسیح که در انجیل لوقا فصل ۱۵ نقل شده است پدر مهربان پیوسته منتظر بازگشت فرزند

گم شده خود میباشد. جهت حسن اختتام بگفتار پطرس حواری رجوع میکنیم که مقام و هدف این مجموعه را بخوبی میرساند ( اول پطرس فصل ۲ آیات ۲۱ تا ۲۵ ) رجوع فرمائید. متشکر.



**انتشارات نور جهان**